

اقتصاد آمریکا: از "مترقی" بودن تا "طفیلی" شدن



مایکل رابرتز، ۱۵ فوریه ۲۰۱۱

مترجم: آرمان پویان

سرمایه داری آمریکا، دیگر نظامی مترقی در توسعه نیروهای مولده نیست. اما مقصود من از این عبارت چیست؟ یک اقتصاد، از آن جهت "مترقی" است که می تواند چیزهای جدید و بیش تری را که مردم برای بهبود استانداردهای زندگی و کاهش ساعات تلاش و زحمت خود قادر به استفاده از آن هستند، بسط و افزایش دهد.

سرمایه داری یک شیوه اجتماعی تولیدست که به معنای فوق، مترقی بوده. در این جا صفت "مترقی"، به معنای آن نیست که نظام سرمایه داری، یک نظام منصفانه، برابر یا عادلانه است؛ بلکه صرفاً یعنی این نظام، تولید تمامی چیزهایی را که ما مصرف می کنیم و به آن نیاز داریم، تا سطوحی بالا افزایش داده است.

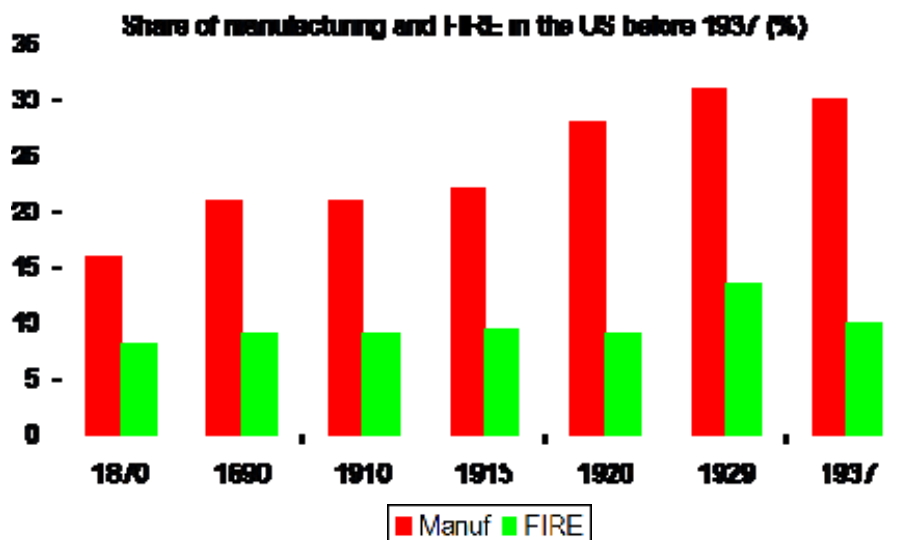
اما اکنون سرمایه داری آمریکا به نظامی کهنه میبدل شده که بسیار کم تر از گذشته مترقی است. در حال حاضر، عمده بخش های اقتصاد سرمایه داری آمریکا در حکم انگل هایی هستند که به بدنه بخش های مولد اقتصاد چسبیده و به ارزشی که در آن جا ایجاد می شود، وابسته اند. این بخش های انگلی، خود مولد ارزش نیستند، بلکه فقط ارزش را از بخش های مولد استخراج می کنند یا به عبارت بهتر، می کنند. اما این کار تا حدی است که به نظر می رسد چنین بخش هایی سودآور هستند. این بخش های غیرمولد عبارتند از: مالیه، املاک و بیمه (اصطلاحاً FIRE)، عمده فروشی، تبلیغات، بازاریابی و دولت. عمده این بخش ها برای روان کردن چرخ های سیستم به کمک اعتبارات، یا آماده ساختن نیروی کار سالم و آموزش دیده ضروری هستند. با این وجود، بهای آن ها را بخش های مولد- مانند مانوفاکتور، کشاورزی، معدن، حمل و نقل، مخابرات و خدمات رفاهی- می پردازند.

برای آن که سرمایه داری آمریکا "مترقی" محسوب شود (با همان تعریفی که ارائه شد)، بخش های مولد فوق الزماً باید بخش های مسلط اقتصاد باشند. با این حال، دیگر چنین نیست.

من به دادهایی مراجعه کردم که به سال ۱۷۹۹ بازمی گشت (نگاه کنید به: آمارهای تاریخی ایالات متحده: ۱۷۹۹-۱۹۴۵، منتشر شده از سوی اداره سرشماری آمریکا). در سال ۱۷۹۹، کشاورزی با اختصاص ۴۰ درصد تولیدات به خود، بخش مسلط اقتصاد آمریکا بود و پس از آن، حمل و نقل (با ۲۴ درصد از تولیدات) قرار داشت. مانوفاکتور تنها ۵ درصد تولیدات را تشکیل می داد. درست تا پیش از آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۷، مانوفاکتور با تصاحب سهم ۳۱

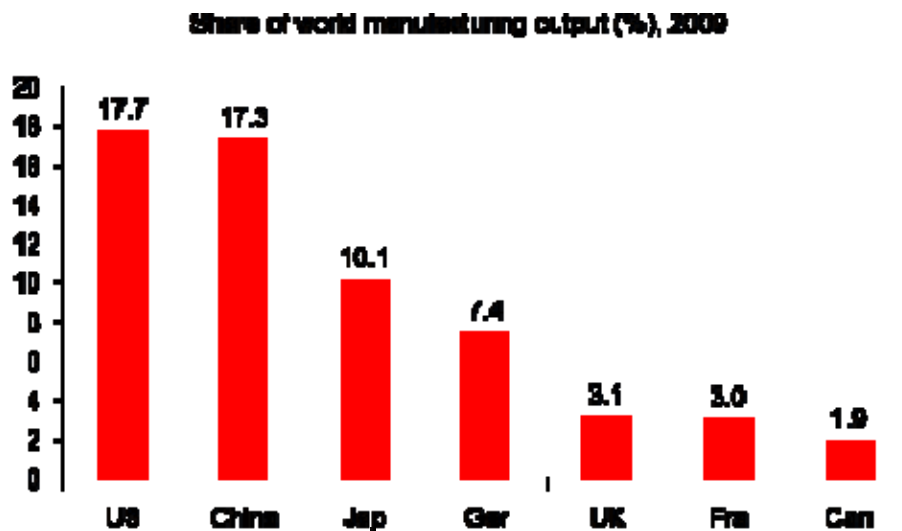
درصدی از GDP، به بخش مسلط اقتصاد بدل شد. این در حالی بود که سهم بخش کشاورزی از GDP به ۱۲ درصد می رسید (حمل و نقل نیز کمابیش سهم مشابهی داشت). تا پیش از ۱۹۰۰ میلادی، ایالات متحده هنوز به یک اقتصاد سرمایه داری اساساً صنعتی تبدیل نگشته بود. در همین زمان، سهم بخش مانوفاکتور از تولید ناخالص داخلی، نهایتاً از سهم بخش کشاورزی (در حدود ۲۰ درصد GDP) فراتر رفت.

سهم بخش های مانوفاکتور و FIRE در ایالات متحده تا پیش از سال ۱۹۳۷ (به درصد)



دقیقاً در فاصله دو جنگ جهانی، سهم بخش مانوفاکتور آمریکا از تولید، افزایش یافت. در همین دوره بود که ایالات متحده، به بزرگ ترین اقتصاد صنعتی جهان بدل شد (که البته هنوز هم هست. کشور چین از نظر ارزش تولیدات خود- به میلیارد دلار آمریکا- تاکنون از آمریکا پیشی نگرفته است، هرچند در آینده نزدیک رتبه آمریکا را پشت سر خواهد گذاشت).

سهم کشورها در تولید مانوفاکتوری جهان (به درصد)، سال ۲۰۰۹

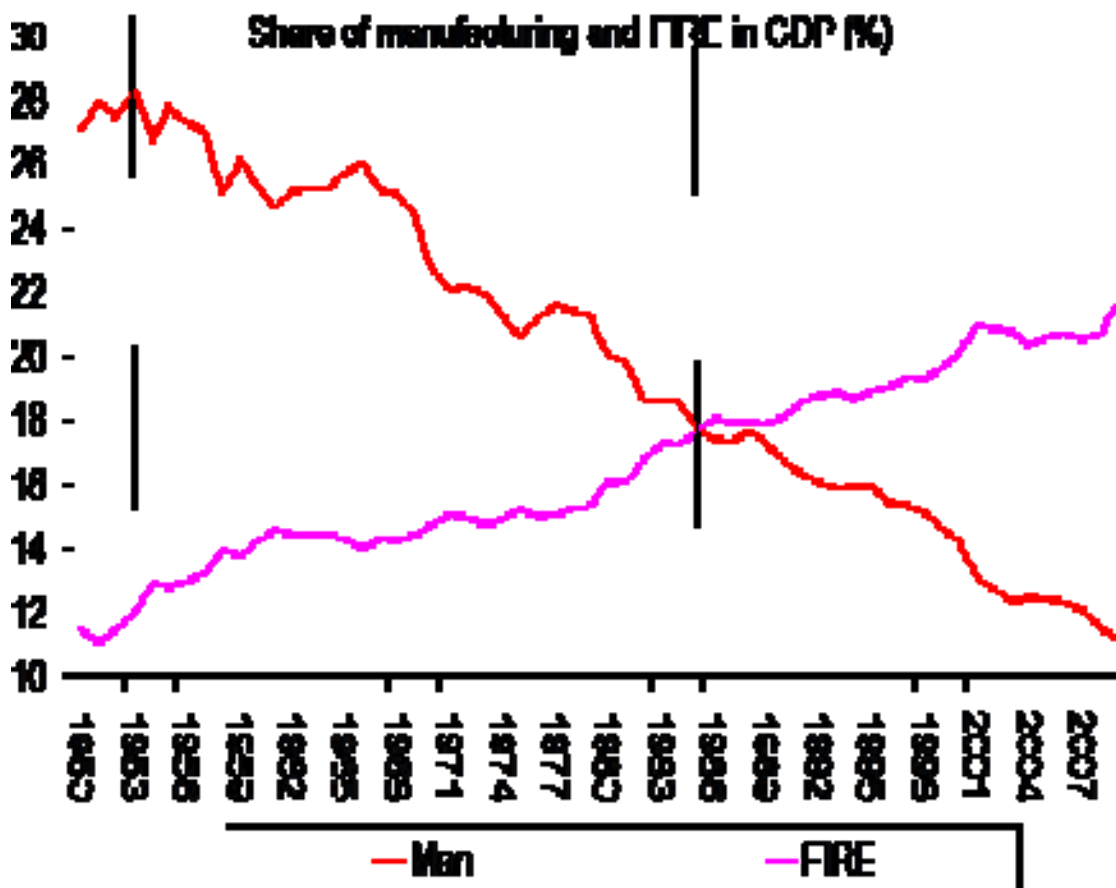


در سال ۱۹۳۷، بخش های مولد اقتصاد ایالات متحده، جزو بخش های مسلط بودند که قریب به ۶۰ درصد تولید سالانه را به خود اختصاص می دادند. بخش های واقعاً انگلی (FIRE) هم چنان کم تر از ۱۰ درصد تولید سالانه را تشکیل می دادند.

اما از ۱۹۴۵ به بعد، سلطه بخش مانوفکتور ایالات متحده رو به کاهش گذاشت؛ به طوری که از ۲۸ درصد GDP در سال ۱۹۵۰، اکنون به ۱۱ درصد تنزل پیدا کرده است. هم زمان، سهم FIRE از ۱۱ درصد، اکنون به کم تر از ۲۲ درصد افزایش داشته است (تقریباً دو برابر). اندازه بخش خدمات، به ویژه دولت، هم به طور مشخص رشد کرد و اکنون، بخش های مولد اقتصاد سرمایه داری در اقلیت قرار دارند.

در سال ۱۹۸۵، سهم FIRE از تولید ملی، از سهم بخش مانوفاکتور فراتر رفت. از آن زمان تاکنون، اقتصاد آمریکا به یک اقتصاد طفیلی تبدیل شده است؛ در حال حاضر عمده ارزش از بهره، اجازه و سود سهام می آید تا تولیدات صنعتی. سهم FIRE از ارزش افزوده، از بخش های مولد (چه در داخل ایالات متحده و چه خارج از آن) گرفته می شود.

سهم تولیدات صنعتی و FIRE از تولید ناخالص داخلی (به درصد)

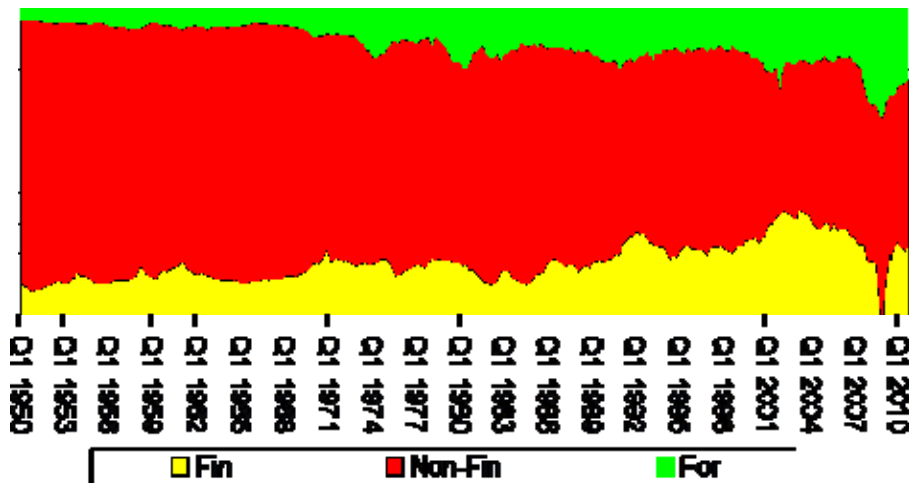


در مقایسه با بخش غیر مالی اقتصاد آمریکا، سودهای بخش مالی از صعود تندی برخوردار بوده و حتی در مقطعی، به بیش از ۴۰ درصد کل سودهای داخلی رسیده است. اما در عین حال، افزایش به مراتب چشمگیرتری در سودهای به دست آمده از خارج مشاهده می شود (سطح سبز رنگ). از سال ۱۹۵۰ به این سو، سهم این سودها تقریباً چهار برابر شده است، در حالی که سهم سودهای مالی (سطح زرد رنگ) تنها دو برابر گردیده است.

سودهای بخش غیرمالی داخلی آمریکا (سطح قرمز رنگ) نیز به میزان یک سوم سقوط کرده است، هرچند این نوع سود، هم چنان بزرگ ترین سهم را داراست. با این حال ما تا زمانی که سودهای بخش مالی و خارجی بیش از نیمی از کل سودهای شرکتی ایالات متحده را تشکیل دهند، فاصله چندانی نداریم.

سهم بخش های مختلف از سودهای شرکتی ایالات متحده

Shares of US corporate profits (%)



این موضوع حقیقتاً ایالات متحده را به یک اقتصاد امپریالیستی طفیلی تبدیل خواهد کرد. آمریکا دیگر نه یک نیروی مترقی در جهان، بلکه انگلی برای سایر اقتصادهای سرمایه داریست.

منبع:

<http://thenextrecession.wordpress.com/2011/02/15/america-from-progressive-to-rentier/>